



کجاها باید به خودمان تکیه کنیم؟

چون همه این مباحث در همان انجمن خانوادگی و البته مجازی رد و بدل می‌شد لازم است در اینجا از مخ‌ترین پسر دایی دنیا که دستش در جستجوی محتوا در اینترنت به خصوص شبکه‌های اجتماعی، با سرعت نوک زدن دارکوب‌های استرالیایی به درخت رقابت نزدیک دارد تشکر کنم که این بخش را از پیچ «مطالب علمی برای کسانی که می‌خواهند نشریه برای نوجوان هاتولید کنند»!! پیدا کرد و در گروه فوروارد نمود.

نوجوانان گرامی در موارد ذکر شده باید استقلال خویش را حفظ نمایند:

۱. **تامین معیشت فردی:** یعنی تا آخر عمر پول توجیبی بگیر پدر نباشید و همت به خرج دهید

۲. **در تهیه نیازهای روزمره:** نیازهای معمولی انسان چیزهایی هستند که همه از پیش برمی‌آیند برای همین نباید انتظار داشته باشیم که دیگران برایمان انجام بدهند.

۳. **در کارهای شخصی:** لباس شستن و... از جمله کارهای شخصی هر نفر است که باید از دوره نوجوانی خودش انجام بدهد.

۴. **در رقم زدن آینده:** آینده تحصیلی و شغلی انسان باید متکی به خودش و اقدامات خودش باشد نه پارتی فلان فامیل و وعده فلان دوست.



خدا حافظ قهرمان



سوال بعدی این است که هنگام کمک گرفتن از دیگران باید مواظب چی باشیم؟

در جواب باید گفت گاهی کسب تجربه و مشورت کردن آنقدر در آدم شدید می‌شود که بیشتر از این که شبیه به کمک گرفتن باشد، می‌شود بازیچه شدن و وابسته دیگران. یعنی ممکن است در ابتدای کار نظریک نفر به ظاهر خیلی جذاب باشد و حتی کارآمد. بعد با خودمان می‌گوییم اصلا برای چه من خودم فکر عزیزم را زحمت بدهم تا فلانی هست. بعد موجبات این فراهم می‌شود که نه تنها به خودمان متکی نباشیم بلکه خودمان را کامل فراموش کنیم و بشویم بازیچه دست کسی که ممکن است کمک اولیه‌اش به ما هم از روی طمع بوده.

گاهی هم متأسفانه فکر می‌کنیم هرکس هر نظری داد، باید رویش فکر کنیم یا عملی‌اش کنیم. به خدا لازم نیست مثلا برای لاغر شدن، تمام فرمول‌ها و ایده‌های سوپرمارکتی محل و مادر بزرگ دوست صمیمی و دانشجوی ترم یک دامپزشکی و تمام مقالات علمی و غیر علمی داخلی و خارجی را عمل کنیم. و یادمان باشد، از آن جایی که نمی‌شود یک نسخه را برای همه تجویز کرد باید بدانیم که نباید از زندگی و راه حل مشکلات دیگران تقلید کنیم. و هرکسی را قهرمان زندگی خود ندانیم که باید شبیه او شد!!

یادمان نرود می‌شود بخش‌هایی از روش حل مساله دیگران را الگو برداری کرد اما صفر تا صدش را عمرا.

کجا از دیگران کمک بگیریم؟

با توجه به این که پسر خاله مهم‌ترم محتوای بخش قبلی را فوروارد کرده بود به راحتی توانستم به پیچ مذکور مراجعه کنم و با شور و شعف فراوان دیدم که هیچ توضیحی درباره اینکه کجاها باید از دیگران کمک بگیریم وجود ندارد. ولی این خودش یک تلنگر بزرگ برایم بود که وقتی کاری را به خوبی بلد نیستی بهتر است از دیگران کمک بگیری و همین شد که به خودم و توانایی‌هایم اتکا نکردم و رفتم سراغ پسر خاله و او برایم این سه نکته را گوشزد کرد. نکاتی که قبلا در جایی دیگر خوانده بود:

در انجام کارهای زیادی سخت که از پیش بر نمی‌آییم. باید از دیگران کمک بگیریم. البته نه این که کنار بایستیم و تا اصطلاحا برایمان ماهی بگیرند؛ باید ماهی گرفتن را کنار دست همان کار بلد نامبرده یاد بگیریم.

به غیر از این که در مواجهه با مشکلات حتما باید با یک فرد آگاه مشورت کنیم و حواسمان باشد که وابسته هم نشویم. گاهی شکست‌های عجیب و غریب هم امان آدم را می‌برند. در همین بزنگاه‌ها زمین خوردن‌ها، باید با حفظ آرامش به علت شکست فکر کنیم و از دیگران برای بلند شدن کمک بگیریم.

وقتی می‌خواهیم دل به دریا بزنیم و کاری انجام دهیم یا تصمیمی بگیریم که تا به حال تجربه‌اش را نداشته‌ایم باید حتما مشورت و کمک بگیریم.



طعم وابستگی



همان گروه‌های مجازی خانوادگی! اما حرف اصلی این است که اساسا چرا باید این همه چشم به بیرون از مرزها بدوزیم؟! مگر آن طرف چه خبر است؟! و بایدن رئیس جمهور شود یا ترامپ، چه فرقی به حال ما دارد اگر روی پای خود ایستادن را بلد باشیم؟!

والته افسوس و صد افسوس که در لایه لای اخبار آن طرف جهان که ورد زبان مان شده است، یادمان برود درد مردمان سختکوشی که در گوشه و کنار این آب و خاک و در مناطق کم برخوردار فکر و ذکرشان آب و نان است.

توی مترو که می‌نشینم؛ سوار تا کسی که می‌شوم یا در صف نانوايي بارعایت فاصله اجتماعی هم که می‌ایستم؛ با شنیدن حرف دیگران با خودم می‌گویم احتمالا همه از این انجمن‌های درون خانوادگی دارند. گروه‌های مجازی که امروز بیشتر از قبل جایگزین دورهمی‌هایمان شده‌اند و البته محل بحث‌های داغ.

خدا را شکر همه برای خودشان یک پا کارشناس مسائل اقتصادی و سلامت و حتی سیاسی هستند. حالا هم که موضوع انتخابات آمریکا داغ است حقوق و سیاست بین‌الملل هم به تخصص‌های ایشان اضافه شده است. گرچه گاهی جوری اسامی «جو»، «دونالد» و «ملانیا» را به کار می‌برند که فکر می‌کنی اینها اقوامشان هستند در

